



Feasibility of Poverty Alimony and Time Limit for its Payment in Iranian Law in Comparison With Turkish Law

Marziye Salehi¹, Saeid Mahjoub^{2*}, Seyed Mahdi Mirdadashi³

1. Department of Private Law, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Department of Private Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

3. Department of Private Law, Faculty of Humanities, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:217-232

Article history:

Received:06 May 2024

Edition:08 Jul 2024

Accepted: 15 Sep 2024

Published online: 23 Dec 2025

Keywords:

Marriage, Alimony, Legal System of Iran, Legal System of Türkiye.

Corresponding Author:

Saeid Mahjoub

Address:

Iran, Qom, Qom University, Faculty of Law, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-4347-1377

Tel:

02532103000

Email:

sd.mahjoub@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The issue of alimony is one of the issues raised in family law and in all legal systems of the world. Despite the fact that alimony is considered one of the foundations of family rights in all laws, its quality and quantity, examples, and even its implementation and legislative basis are different. The purpose of this article is to determine the feasibility of poverty alimony and the time limit for its payment in Iranian law in comparison with Turkish law.

Materials and methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that in Iranian law, alimony is mostly derived from religious and religious laws and its foundation is formed by religion, but in Turkey, despite being an Islamic country, the same issue has its roots in the Western legal system and the element of religion in This legal entity has not been mentioned.

Result: The result that the nature of alimony in Iranian law has the nature of creditor-debtor between man and woman and in Turkish law it has the nature of beneficiary-debtor; It is the responsibility of both the woman and the man based on the amount of property and their financial status.

Cite this article as:

Salehi, M; Mahjoub, S; Mirdadashi, M. *Feasibility of Poverty Alimony and Time Limit for its Payment in Iranian Law in Comparison With Turkish Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



دوره هفتم، شماره ۵، سال ۱۴۰۴

امکان‌سنجی نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت آن در حقوق ایران در تطبیق با حقوق ترکیه

مرضیه صالحی^۱، سعید محجوب^{۲*}، سیدمهدی میرداداشی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحث نفقه از جمله مسائلی می‌باشد که در حقوق خانواده و در همه نظام‌های حقوقی دنیا مطرح گشته است. علی‌رغم اینکه در همه قوانین نفقه یکی از پایه‌های حقوق خانواده تلقی می‌گردد، ولی کم و کیف آن و مصادیق و حتی نحوه اجرا و مبنای قانونگذاری آن متفاوت است. هدف مقاله حاضر امکان‌سنجی نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت آن در حقوق ایران در تطبیق با حقوق ترکیه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در حقوق ایران نفقه بیشتر برگرفته از قوانین مذهبی و دینی می‌باشد و پایه و اساس آن را مذهب شکل می‌دهد؛ ولی در ترکیه همین موضوع علی‌رغم اینکه کشور اسلامی است، ریشه در نظام حقوقی غربی داشته و عنصر دین در این نهاد حقوقی مطرح نگشته است.

نتیجه: نتیجه اینکه ماهیت نفقه در حقوق ایران دارای ماهیت طلبکار- بدهکار بین زن و مرد و در حقوق ترکیه دارای ماهیت ذینفع- بدهکار؛ هم بر عهده زن و هم بر عهده مرد بر اساس میزان دارایی و وضعیت مالی آنان می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۷-۲۳۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

ازدواج، نفقه، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی ترکیه.

نویسنده مسئول:

سعید محجوب

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

02532103000

کد ارکید:

0000-0002-4347-1377

پست الکترونیک:

sd.mahjoob@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از تعهدات ازدواج در حقوق ترکیه و ایران، نفقه بین زوجین است. مسائل مربوط به نفقه در حقوق اسلامی در بخش‌های مختلف آثار فقهی کلاسیک جای می‌گیرد. مثلاً در بخشهایی مانند نکاح، حضانت، ارث وجود داشته و قوانینی برای آن وجود دارد. نفقه در حقوق ایران گرچه از فقه منبعث شده است ولی در همه نظام‌های حقوقی به نوعی قوانینی برای این مسئله دارند که هر کدام دارای منشایی هستند که ترکیه نیز از این قاعده مستثنی نیست. ترکیه گرچه کشور اسلامی است ولی قوانین مرتبط با حقوق خانواده و نفقه از نظام‌های اروپایی و کنوانسیون لاهه ۱۹۷۳ در مورد نفقه منبعث شده است. شاید دور از انصاف باشد که تنها وسایل آرامش زنان از نظر مالی حتی بعد از طلاق بیشتر مورد توجه قرار گیرد ولی مردان از این نظر در مضیقه بوده و آسیب این موضوع بیشتر متوجه فرزندان خواهد بود که قانونگذار ترک از این موضوع غفلت نموده است. دومین موضوع که بیشتر چشمگیر می‌باشد، توجه نکردن به فرهنگ بومی ترکیه و استناد صرف به قوانینی می‌باشد که ریشه غربی دارند و دود این آسیب و معضل به چشم زنان رفته است چراکه این قوانین چندان به روحیه و ذهنیت جامعه ترکیه سازگار نمی‌باشد و بدین ترتیب زنان بیشتر هدف قتل‌های ناموسی قرار می‌گیرند که در ترکیه به عنوان (پاک کردن ناموس و شرف) از آن یاد می‌شود که هم چارچوب جامعه شناختی این موضوع بیشتر برجسته می‌باشد و هم بُعد حقوقی آن. در نظام حقوقی ترکیه در برخی موارد و شرایط، الزام زوجین به کمک و همکاری به یکدیگر پس از پایان پیوند زناشویی چه برای تربیت فرزندان و چه برای امورات مادی نیز ادامه

می‌یابد. در نظام حقوقی ایران در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج به واسطه مرض یا نقصان اعضاء. بسیاری از فقهای امامیه تشریح نموده‌اند که مقدار لازم برای نفقه زن، عبارت از هرچیزی است که زن به آن محتاج می‌باشد. از خوراک و پوشاک، منزل، مستخدم، هزینه نظافت و آرایش در حدود عادت و رسوم زنان هم ردیف او در آن شهر». در ایران شوهر در اثر عقد نکاح دائم ملزم به دادن نفقه دوران زوجیت و نفقه پس از انحلال آن در موارد معینه می‌باشد. در خصوص نفقه در حقوق ایران و ترکیه، پژوهش‌های خیلی محدودی انجام شده است: زهرا میرزایی و بهرام وثوقی کردکندی در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی نفقه زوجه در حقوق ایران و ترکیه پرداخته است (میرزایی و وثوقی کردکندی، ۱۳۹۴) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله، به امکان‌سنجی نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت آن در حقوق ایران در تطبیق با حقوق ترکیه پرداخته می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که امکان‌سنجی نفقه فقر در حقوق ایران و ترکیه وجود داشته و و تحدید زمانی پرداخت آن چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم نفقه در حقوق ایران و ترکیه تبیین و تحلیل شده و در ادامه از نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت آن در حقوق ایران بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد در حقوق ایران نفقه بیشتر برگرفته از قوانین مذهبی و دینی می‌باشد و پایه و اساس آن را مذهب شکل می‌دهد ولی در ترکیه همین موضوع علی‌رغم اینکه کشور اسلامی است، ریشه در نظام حقوقی غربی داشته و عنصر دین در این نهاد حقوقی مطرح نگشته است.

۵. بحث

فقه‌های امامیه کمتر به تعریف نفقه و بیشتر به مصادیق آن پرداخته‌اند. برخی از حقوق دانان مسلمان در تعریف نفقه چنین گفته‌اند: «نفقه عبارت از چیزی است که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد» (صفایی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۳۹۳). اما در اصطلاح فقها، اغلب استعمال نفقه در انفاق، و صرف مال برای افراد واجب‌النفقه؛ یعنی زوجه و خویشاوندان نزدیک و آنچه که در ملک انسان است، می‌باشد (انصاری، ۱۴۰۵، ج ۵، ۴۹۷). فقها، به طور معمول نفقه را عنوانی برای غذا، لباس، مسکن و سایر نیازمندی‌ها گرفته‌اند، هرچند در عرف، نفقه معنای اخص پیدا کرده و تنها به خوراک اطلاق می‌شود و البسه و سکنا و سایر موارد، قسیم آن قرار گرفته است (عابدین‌الدمشقی الحنفی، ۱۴۱۲، ج ۳، ۶۲۸).

برخی از فقهای عامه مانند الخرشی المالکی، نفقه را در اصطلاح شرع، چنین تعریف کرده‌اند: «ما به قوام معتاد الآدمی دون سرف؛ نفقه آن چیزی است که عادت بقای حیات انسان به آن منوط است، بدون اسراف». با این تعریف، مواردی مانند میوه و شیرینی که بقای حیات انسان، عادتاً به آن متوقف نیست، نفقه شرعی محسوب نمی‌شود؛ هم

چنین چیزهایی که بقای حیات غیر انسان، به آن متوقف است، نیز خارج می‌گردد. با قید «بغیر سرف» مواردی که زیاده‌تر از حدی که انسان سزاوار آن است، نیز از نفقه شرعی خارج می‌گردد (الخرشی المالکی، ۱۴۱۷، ج ۵، ۱۸۸).

حنبل‌ها نفقه شرعی را چنین تعریف کرده‌اند: «هی کفایة من یمونه خبزه و إدما و کسوه و سکنا و توابعها؛ نفقه عبارت است از نان و خورش و لباس و مسکن و لوازم آن، از ناحیه کسی که فردی را تحت تکفل خود می‌گیرد» (البهوتی، ۲۰۰۰، ج ۳، ۲۲۵).

این ترتیب دین و قوانین اخلاقی برای کمک به افرادی است در فقر به سر می‌برند و نیازمند هستند تا با همبستگی خانواده، بر مشکلات فائق آیند (آکینتورک، ۲۰۱۰، ۳۰۲). به همین دلیل، شخصی که در حالت اضطراری قرار دارد، باید به عنوان یک تعهد قانونی برای ادامه زندگی خود و برآورده کردن نیازهای اساسی خود، ترتیباتی اتخاذ گردد (بولوت، ۲۰۰۷، ۷۱).

۵-۱. مفهوم نفقه در نظام حقوقی ایران

نَفَقَه، به مخارج ضروری مانند خوراک، پوشاک و مسکن گفته می‌شود که برای گذران زندگی مورد نیاز است. ازدواج، خویشاوندی و ملکیت از اسباب وجوب آن هستند. معیار تعیین میزان نفقه زن در فقه مورد اختلاف است. توانگری و تنگدستی زوج(مرد)، وضع زوجه(زن) و یا هر دو، معیار نفقه دانسته شده‌اند. از جمله مستندات معیار بودن توانگری و تنگدستی زوج در فقه شیعه، آیه ۷ سوره طلاق است (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۳۱، ۳۳۳) ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱ اجزاء نفقه را نام برده است. در این مقرر آمده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه و غذا، اثاث

البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی، خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان زن.» «حق بهره مندی از نفقه در ازدواج دائم مطابق با شأن زن توسط شوهر» در بند ۸۹ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی درج گردیده است. مستناد به ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی نیز نفقه اقارب عبارت است از: «مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.» چنان که ملاحظه می‌گردد نفقه اقارب به قدر رفع حاجت است اگر داد و تلف شد باید جبران کند. وجود اشخاص واجب النفقه برای فرد مدیون در توقیف اموال وی مؤثر است به گونه‌ای که نفقه اشخاص واجب النفقه مانند آذوقه، مسکن، اثاثیه منزل و از طرف دیگر وسایل تأمین معاش خانواده قابل توقیف نبوده و در صورت باز داشت به علت اینکه جزء مستثنیات دین می‌باشد با اعتراض مدیون از آنها رفع توقیف می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۴، ۱۱۷).

چنان که ملاحظه می‌گردد قانون مدنی عرف را ملاک و ضابطه تشخیص نفقه زوجه قرار داده است. به نظر می‌رسد که معیار تعیین میزان نفقه وضع زن در خانواده تشکیل شده از او و شوهر است نه خانواده پدری زن. به اعتقاد برخی قول مشهور در فقه امامیه شأن زوجه آنگونه که وضعیت او در خانه پدر بوده است می‌باشد. علت امر این است که خداوند فرموده «وعاشروهن بالمعروف» و منظور آن است که بر زن انفاق شود به چیزی که آن زن عادتاً لایق آن است و این ملاک نه تنها در نوع غذا، بلکه در نوع و جنس لباس و همچنین وضعیت مسکن و سایر اجرای نفقه نیز باید مورد توجه قرار بگیرد (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ۶۷۷).

«گاه مواردی مطرح می‌شود که وجود و یا عدم مغایرت شرط با قوانین آمره مورد تأمل است؛ از جمله اگر در عقد شرط شود که زن حق نفقه خود را ساقط کرده و مرد را از پرداخت نفقه بری نماید. عده‌ای با توجه به تکلیف شوهر به پرداخت نفقه، این شرط را خلاف قوانین آمره می‌دانند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۱۶۲). اما به نظر «این شرط بلاشکال است چون درست است که نفقه تکلیف شوهر است ولی این تکلیف تا زمانی است که زن از حق دریافت نفقه صرف نظر نکند بنابراین اگر زن حق خود را از این طریق ساقط کرد برای شوهر تکلیفی نخواهد ماند. پس چنین شرطی را نمی‌توان شرط نامشروع دانست شاید تقریب بحث با بحث مهریه بی وجه نباشد و نظر اول را تأیید نماید» (محمدی، ۱۳۹۸، ۱۱۸).

طبق ماده ۱۱۱۴ زن مکلف است در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید (مشروط بر اینکه زن حق تعیین مسکن نداشته باشد). بنابراین عدم رعایت این ماده از مصادیق عدم تمکین و اسقاط نفقه زن می‌باشد. نشوز به معنی ارتفاع و بلند شدن است و شرعاً به معنی خروج از اطاعت می‌باشد. در قوانین جاریه نشوز شوهر پیش بینی نشده است و اصولاً چون نشوز در مقابل تمکین به کار می‌رود و تمکین خاص زوجه است، نشوز هم مختص زوجه خواهد بود اما اگر زوج به وظایف خود عمل ننماید مثلاً نفقه زوجه را ندهد و اجبار او هم بر آن ممکن نباشد علاوه بر مجازات قانونی زوجه می‌تواند به ادعای عسر و حرج درخواست طلاق نماید و به طوری که عدم ایفای وظایف زوجیت از ناحیه زوج ممکن است موجب عسر و حرج زوجه باشد و در صورت احراز آن دادگاه می‌تواند به درخواست زوجه طبق ماده (۱۱۳۰) اصلاحی قانون مدنی اقدام نماید. بر این

دعوت می‌کند زن موظف به پذیرفتن نیست بلکه می‌تواند درخواست منزل به سکونت در آن اختصاصی بنماید (محقق داماد، ۱۴۰۰، ۳۱۰-۳۰۹). در هر حال در این حالت عدم سکونت زن در منزل مشترک موجب نشوز زن نیست دادخواست زوج برای تمکین بی مورد است. ممکن است صداق کلاً یا بعضاً موجّل باشد (عند الاستطاعه؛ اقتضای رضای زوجه به اجل صداق چیست؟ اکثر طرفداران فکر معاوضه در نکاح معتقدند اقتضای تأجیل اسقاط حق حبس و لزوم تمکین از سوی زوجه است. پس زوج می‌تواند تقاضای تمکین قبل از حلول اجل کند و اگر زوجه تمکین نکرد مستحق نفقه نیست اما عده‌ای از حقوقدانان معتقدند قیاس عقد نکاح به بیع از حیث عقد معاوضه خطای فاحش است و بر خلاف روح مقررات احتیاط در فروج است. به صرف معاوضه دانستن نکاح بدون دلیل قاطع چگونه می‌توان چنین زنی را به حکم دادگاه اجبار به تمکین کرد و اگر نکند سلب حق نفقه از او کرد؟ اقتضاء تأجیل، صداق تأخیر متقابل حق زوج در مطالبه تمکین است نه اسقاط حق حبس زوجه زیرا لازمه موازنه بین بضع و صداق این است. «در واقع تمکین قبل از تأدیه مهر صورت گیرد و پدید آمدن حق حبس در مسأله‌ی مذکور بر خلاف اراده زوجین است مویّد این نظر رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸ به تاریخ ۲۲/۵/۱۳۸۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و صراحت ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می‌باشد. به عبارت دیگر وقتی زن به تأجیل مهر رضایت داده، در حقیقت حاضر به تسلیم قبل از قبض مهر شده و حقس را نسبت به تعجیل مهر کرده است و در مقابل دلیلی وجود ندارد که شوهر را از حق استمتاع از زن که برای او ثابت شده است، ممنوع نمود» (گرچی و همکاران،

اساس خواسته‌ی مستقیمی مبنی بر تمکین زوج وجود ندارد. عدم رعایت ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی از مصادیق عدم تمکین و عدم اسقاط حق نفقه زن می‌باشد استثنای این امر در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی آمده است مبنی بر اینکه «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور دادگاه خانواده حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده‌ی شوهر خواهد بود» (محمدی، ۱۳۹۸، ۵۱). بر اساس ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی «در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکونای زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی دادگاه خانواده با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد خود دادگاه خانواده، محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد». «نکته این که در این حالت زن برای ترک خانه‌ی شوهر احتیاج به حکم قبلی دادگاه خانواده ندارد زیرا ممکن است در صورت ماندن در منزل مشترک، تا صدور دادگاه، زینانی که از آن دارد دامنگیرش شود. از موارد دیگری که عذر موجه به حساب می‌آید موردی است که زوجه حاضر به زندگی با خویشاوندان زوج در یک محل نباشد. همچنین محلی که زوج انتخاب نموده متناسب شئون زن و زندگی خانوادگی او نباشد» (گرچی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۸۷). به نظر بسیاری از فقها زوجه می‌تواند در غیر صورت شرط سکونت نیز از اقامت در منزل مشترک خودداری نماید؛ مثلاً اگر شوهر منزلی دارد که زوجه‌ی دیگرش و یا پدر و مادر وی در آن سکونت دارند و زن را

۱۳۹۳، ۲۶۷). بنابراین تقدم تسليم مهر فقط ناظر به مهر حال است لازم به ذکر است تمکینی که مسقط حق حبس زوجه است، تمکین ارادی صحیح است و بر تمکین از روی اجبار و اکراه تمکین اثری نمی‌گردد و اصل بقاء حق در این حالت ثابت است.

سوالی که قابل طرح است، این که آیا با انعقاد عقد نکاح تکلیف شوهر به پرداخت نفقه مستقر می‌گردد و در صورتی که زن نشوز کند نفقه ساقط می‌گردد یا این که به صرف انعقاد نکاح نفقه بر مرد واجب نیست و وجوب نفقه وقتی بر مرد واجب می‌شود که زن تمکین نماید. به عبارت دیگر آیا شرطی برای وجوب آن لازم نیست یا این که وجوب نفقه مشروط به تحقق تمکین از ناحیه زوجه است و تمکین شرط است یا نشوز مانع؟ ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود». از این ماده قانون مدنی استنباط می‌گردد که برای استحقاق زوجه بر نفقه به عنوان حکمی وضعی، تمکین شرط نیست بلکه نشوز مانع است. به عبارتی دیگر این نشوز زن است که موجب سقوط حق او نسبت به نفقه می‌گردد. مواد دیگری از جمله ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی نیز صرف وقوع عقد نکاح را موجد حقوق تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر دانسته است همچنین ماده ۱۱۰۶ همان قانون در عقد دائم نفقه زن را به طور مطلق بر عهده‌ی زوج قرار داده است که از فحوای این مقررات نیز بر می‌آید که نشوز مانع است و تمکین شرط استحقاق نفقه نمی‌باشد. همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا بلافاصله پس از نکاح زوجه حق مطالبه‌ی نفقه و تعقیب کیفری زوج را دارد؟ با استناد به مفاد ماده ۱۱۰۲

چنین نظر داده است همین که نکاح به صحت واقع شد حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار گردیده و به محض وقوع نکاح زوج حق دارد تمکین زوجه را بخواهد و زوجه هم حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت. دعوی تمکین علاوه بر نکاح دائم در متعه نیز در صلاحیت دادگاه خانواده است. توضیح اینکه «در نکاح منقطع تمکین بر زوجه همانند نکاح دائم یک وظیفه شرعی است و در فرض نشوز زوجه، زوج می‌تواند با مراجعه به دادگاه خانواده الزام او را بخواهد و دادگاه او را الزام خواهد کرد. با این تفاوت که در نکاح منقطع نفقه مطرح نیست تا به علت نشوز ساقط گردد؛ ولی برخلاف نکاح دائم می‌تواند از مهریه به نسبت مدت بکاهد؛ هر چند قبل از نشوز نزدیکی صورت گرفته باشد» (اسدی؛ شکر، ۱۳۹۴، ۳۵۶). در مورد بند ۸ با عنوان تمکین و نشوز موضوعی که در مورد اجرای آرای محاکم خانواده مطرح می‌شود، ناظر بر کیفیت اجرای حکم تمکین است؛ به رغم آن که دادگاه خانواده با صدور این حکم، زوجه را به تمکین از زوج ملزم می‌کند و حکم واجد جنبه اجرایی است اما به لحاظ فقدان ضمانت اجرای آن، اجرائیه صادر نمی‌شود ضمانت اجرای استنکاف از اجرای حکم، عدم استحقاق زوجه نسبت به نفقه و ایجاد حق ازدواج مجدد برای زوج است.

۵-۲. مفهوم نفقه در نظام حقوقی ترکیه

بعد از تشکیل جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳، مصطفی کمال پاشا (معروف به آتاتورک) سیاست سکولاریزه و مدرنیزه کردن قوانین را در پیش گرفت. این قانون در واقع ترجمه قانون مدنی سوئیس مصوب ۱۹۰۷ و قانون تعهدات سوئیس مصوب ۱۹۱۱ می‌باشد. مجلس ترکیه کمیته‌ای را برای بررسی قوانین مدنی سایر

تعریف دیگری از نفقه شامل غذا، نوشیدنی، لباس، مسکن و غیره است. این موضوع در تعریف لغوی به آن اشاره شده است و در قانون مدنی ترکیه نیز در دکترین به آن اشاره شده است. لذا در چارچوب نفقه شوهر باید هزینه‌های غذا، پوشاک، مسکن و غیره را برآورده می‌کند. هزینه‌های لازم برای ادامه زندگی و سود تعریف دیگری از نفقه است که در فصول بعدی به آن اشاره خواهد شد (گدیکی، ۲۰۰۶).

نکته دیگر نفقه طلاق هم در ترکیه وجود دارد که در فصول آتی بیشتر در آن مورد بحث خواهد شد. براساس ماده ۱۴۴. قانون مدنی: «چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می‌تواند از همسر به قدر وسع او به طور دائم درخواست نفقه نماید اما مرد در صورتی می‌تواند از همسر تقاضای نفقه نماید که او مرفه باشد».

ملاحظه می‌شود که در قانون مدنی ترکیه، نفقه بعد از طلاق تأدیه می‌شود نه در دوران زندگی مشترک و پرداخت آن صرفاً به عهده مرد نیست بلکه زن مرفه نیز در صورت معسر بودن شوهر هزینه زندگی او را تأمین می‌نماید. این پرداخت تا زمان رفع فقر و تنگدستی تداوم پیدامی‌کند. افزایش و کاهش میزان آن نیز نیازمند حکم دادگاه است. اما در قانون مدنی ایران پرداخت نفقه (در طول دوران زناشویی) فقط به زوجه تعلق می‌گیرد و مشمول حال زوج نمی‌شود (ماده ۱۱۶ ق.م.ایران).

مطابق مطابق ماده ۱۸ قانون مدنی ترکیه «هر فرد موظف است به فرزندان، برادران، خواهران و بستگان خود که نیازمند هستند کمک نماید. زمانی که زوجین از هم طلاق می‌گیرند، شخصی

کشورهای اروپایی از جمله اتریش، آلمان، فرانسه و سوئیس تشکیل داد. سرانجام در ۲۵ دسامبر ۱۹۲۵ کمیته مزبور تصمیم به آن گرفت که قانون مدنی سوئیس را به عنوان قانون نمونه انتخاب نماید. قانون مزبور در ۱۷ فوریه ۱۹۲۵ به تصویب رسید و در ۴ اکتبر سال ۱۹۲۶ به اجرا درآمد. مقدمه این قانون توسط محمود اسد بُزکورت (وزیر دادگستری) در نوشته شد. قانون مدنی نوین ترکیه ۲ سال بعد از به روی کارآمدن آتاتورک تصویب شد و باعث نسخ حقوق شرعی شد که بیش از ۶۰۰ سال توسط عثمانی‌ها بر کشور حاکم بود. در زمان حکومت عثمانی‌ها، قانون کشور ترکیه همانند سایر کشورهای مسلمان منبعت از حقوق شرعی بود. در حقوق مدنی ترکیه، نفقه به عنوان کمکی که به شخص داده می‌شود معمولاً در مواردی که قوانین تعیین می‌کنند تعریف می‌شود. در قانون مدنی یکی از پایه‌های مهم و اساسی خانواده است. برخی از قوانین برای محافظت از این و اطمینان از حفظ نظم موجود پیش بینی شده است که نفقه یکی از آنهاست. برای اطمینان از کمک‌های خانوادگی و اطمینان از عدم نیاز اعضای خانواده، نفقه در قانون مدنی ترکیه در نظر گرفته شده لازم الاجراست. طبق اصول مندرج در قانون، حمایت از کودک با این نفقه تضمین می‌شود. این وضعیتی است که دارای ریشه‌های مذهبی و اجتماعی است و به مردم و زنان کمک شود تا در سختی و تنگنا قرار نگیرند. علاوه بر این، حمایت از کودک با آیین نامه مندرج در قانون به یک تکلیف قانونی تبدیل شده است. در این حالت، نیاز به کمک بین اعضای خانواده داشت که نفقه یکی از ابعاد آن است (گونای، ۲۰۰۷، ۷).

که حضانت فرزندان به او سپرده نمی‌شود باید نفقه کودکان را بپردازد که مقدار آن باید برابر با تأمین مخارج و تربیت کودک باشد. نفقه به چیزهای لازم برای زندگی و بقای انسان اطلاق می‌شود که شامل غذا، پوشاک و خانه می‌باشد، یعنی هزینه‌های لازم برای پخت و پز، اجاره خانه، پوشاک و سایر مخارج زندگی در این گروه قرار می‌گیرد. این هزینه‌ها به زمان پرداخت نفقه و آداب و رسوم و عرف جامعه بستگی دارد». حتی اگر زن ثروتمند باشد، دادن نفقه بر مرد واجب است. نفقه بلافاصله بعد از نکاح به زن تعلق می‌گیرد. اگر مرد فقیر باشد، نفقه فقیر و اگر دارای وضع مالی مناسبی باشد، نفقه ثروتمند باید به همسرش بدهد. اگر یکی از زوجین فقیر و دیگری ثروتمند باشد، نفقه‌ای معادل با یک زندگی متوسط در نظر گرفته می‌شود. با توجه به آداب و رسوم و سنت‌ها مرد باید به زن، غذا، لباس، خانه به عنوان نفقه پرداخت کند. مرد نمی‌تواند زن را مجبور به استفاده از اموال خود نماید، بلکه مرد باید این هزینه‌ها را بپردازد. ظلم کردن در این موارد به زن حرام است. بر اساس آنچه گفته شد، ماده ۱۸ قانون مدنی ترکیه وضعیت نفقه را به عنوان یک قاعده با ماهیت مشترک ذینفع و بدهکار تعریف می‌کند. چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می‌تواند از همسر به قدر وسع او تا رفع فقر و تنگدستی درخواست نفقه نماید. به این نوع نفقه، نفقه فقر می‌گویند. نفقه فقر بعد از ثبت نهایی طلاق باید پرداخت شود. هم چنین می‌توان یک سال بعد از حکم طلاق برای نخستین بار نسبت به دریافت آن اقدام کرد.

در نظام حقوقی ترکیه هم وضعیت نفقه پس از طلاق و هم وضعیت نفقه در صورت فسخ نکاح پس از تصمیم به متارکه زوجین توسط دادگاه خواهد بود. نفقه در ماده ۱۷۵ قانون مدنی جمهوری ترکیه تعریف شده است. در این تعریف ملاحظات اجتماعی و اخلاقی بیشتر مدنظر قانونگذار می‌باشد و با توجه به اینکه زنان بیشتر آسیب پذیرتر می‌باشند، برای مردان قوانینی جهت تضمین زندگی زنان پیش بینی شده است. این موضوع به دلیل تاکید قانونگذار به تحکیم وحدت خانواده در اصل ۴۱ قانون اساسی ترکیه می‌باشد که خانواده را اساس جامعه قرار داده و نظم اجتماعی و احترام متقابل را به عنوان اساس خانواده مدنظر قرار داده است و به نظر می‌رسد قانون مدنی نیز این موضوع را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد ولی از طرف دیگر با کندوکاو بسیار می‌توان متوجه این موضوع شد که وضعیت نامساعد اقتصادی مردان و آسیب پذیری آنها از نظر مالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شاید دور از انصاف باشد که تنها وسایل آرامش زنان حتی بعد از طلاق بیشتر مورد توجه قرار گیرد ولی مردان از این نظر در مضیقه بوده و آسیب این موضوع بیشتر متوجه فرزندان خواهد بود که قانونگذار ترک از این موضوع غفلت نموده است. دومین موضوع که بیشتر چشمگیر می‌باشد، توجه نکردن به فرهنگ بومی ترکیه و استناد صرف به قوانینی می‌باشد که ریشه غربی دارند و دود این آسیب و معضل به چشم زنان رفته است چراکه این قوانین چندان به روحیه و ذهنیت جامعه ترکیه سازگار نمی‌باشد و بدین ترتیب زنان بیشتر هدف قتل‌های ناموسی قرار می‌گیرند که در ترکیه به عنوان (پاک کردن ناموس و شرف) از آن یاد می‌شود که هم چارچوب جامعه شناختی این

است. چنان که از ماده ۱۱۰۸ برمی آید هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. امتناع از وظایف زوجیت چه از جانب زوج و چه از جانب زوجه نشوز نامیده می‌شود ممتنع اگر مرد باشد ناشز است و اگر زن باشد ناشزه است» (اسدی؛ شکری، ۱۳۹۴، ۳۵۷). از نشوز زن در بند سوم ماده ۸ قانون حمایت از خانواده به عنوان عدم تمکین یاد شده است (تمکین عبارت است از اظهار اطاعت زوجه به زوج) عدم تمکین به زوجه حق می‌دهد که دعوی تمکین را مطرح می‌کند و الزام زوجه را به تمکین بخواهد و یا از دادگاه گواهی عدم سازش بخواهد و او را طلاق دهد.

در حقوق ایران نفقه بعد از طلاق نیز وجود دارد. بر اساس ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی، «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت». در واقع، هرگاه طلاق از نوع رجعی باشد، به دلیل وجود حق رجوع برای مرد، حق نفقه زن در دوران عده پابرجاست و مرد موظف است که در تمام مدت زمان ایام عده نفقه زن خود را پرداخت نماید.

مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». همچنین طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم

موضوع بیشتر برجسته می‌باشد و هم بعد حقوقی آن. در نظام حقوقی ترکیه در برخی موارد و شرایط، الزام زوجین به کمک و همکاری به یکدیگر پس از پایان پیوند زناشویی چه برای تربیت فرزندان و چه برای امورات مادی نیز ادامه می‌یابد. در واقع قانونگذار مقرر کرده است که وجوب همبستگی در زوجیت پس از طلاق نیز ادامه یابد و به زوج دیگر به طور نامحدود و متناسب با استطاعت مالی او برای امرار معاش طرف مقابل پرداخت شود. ولی در عمل چنین نمی‌باشد و آسیب پذیری آن در مقالات مختلف توسط حقوقدانان ترک مورد توجه قرار گرفته است. از طرف دیگر نیز در صورت استنکاف از پرداخت نفقه توسط زوج، مجازات حقوقی ابتدا در حق وی اجرا می‌شود و در صورت ادامه داشتن عدم پرداخت یا کوتاهی در پرداخت، سپس مجازات کیفری در حق وی اجرا می‌شود که در قانون مورد اشاره واقع شده است. البته نکته جالبی که وجود دارد در ترکیه، چنانچه هریک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق، متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد می‌تواند از همسر به قدر وسع او تا رفع فقر و تنگدستی در خواست نفقه نماید. اما مرد در صورتی می‌تواند از همسر تقاضای نفقه نماید که او مرفه باشد. این موضوع به نوعی برگرفته از نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد ولی نظیر این موضوع در ایران وجود ندارد.

۳-۵. نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت

آن در حقوق ایران

«در حقوق ایران دو نوع نکاح دائم و موقت وجود دارد. در اثر نکاح دائم شوهر ملزم به دادن نفقه به زوجه خود می‌گردد. بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی ایران در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر

شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید». همچنین است در صورت عجز از دادن نفقه. بنابراین، ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه زن ناظر به حالتی است که زن از طریق دادگاه‌های حقوقی اقدام به ارائه دادخواست حقوقی مطالبه نفقه و توقیف اموال بابت نفقه نموده و نفقه خود را مطالبه می‌کند که در این حالت در صورت وجود شرایط تعلق نفقه به زن، مرد موظف به پرداخت نفقه به وی خواهد شد». بعلاوه اینکه اگر مرد به دلایلی نتواند نفقه زن را بپردازد برای زن حق طلاق بوجود خواهد آمد. عدم پرداخت نفقه، علاوه بر ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه، ضمانت اجرای کیفری نیز خواهد داشت. مطابق ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید». بنابراین ماده ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه زن در صورت تحقق جرم ترک انفاق، حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه تعیین شده است. در حال حاضر با تصویب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده، این ماده نسخ شده است. بر اساس این ماده هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت، در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. از طرف دیگر اجاره بهای منزل، جزئی از نفقه محسوب می‌شود و دادگاه باید در محاسبه میزان محکومیت زوج به پرداخت نفقه، آن را لحاظ کند.

در این زمینه شماره دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۵۰۷ مورخه ۱۳۹۸/۰۹/۰۸ مطرح است. در خصوص دادخواست خانم.ع. با وکالت خانم گ.گ. به طرفیت آقای الف.م. با وکالت آقای الف.پ. مبنی بر مطالبه نفقه معوقه از تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۵ تا زمان صدور حکم مقوم به ۵۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال با خسارت دادرسی، به موجب سند رسمی ازدواج شماره ... مورخه ۱۳۸۹/۰۹/۱۱ در دفتر ثبت ازدواج شماره ... تهران رابطه زوجیت محرز بوده، خوانده در قبال دعوی مطروحه دفاع موجهی نکرده، دلیلی بر پرداخت نفقه زوجه ارائه نکرده؛ ضمن اینکه دادگاه به لحاظ تخصصی بودن موضوع تعیین نفقه، قرار ارجاع امر به کارشناس صادر نموده و تحت شماره ۶۲۳ مورخه ۱۳۹۳/۰۴/۱۰ واصله به دادگاه نظر خود را اعلام نموده‌اند که مصون از اعتراض طرفین باقی مانده است. دادگاه ضمن احراز تحقق خواسته، به استناد مواد ۱۱۱۱ و ۱۲۰۶ قانون مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی خوانده را به پرداخت ۱۶۲/۳۷۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۴/۱۴۲/۴۶۰ ریال بابت هزینه دادرسی و کارشناس در حق خواهان محکوم می‌نماید. در خصوص تجدیدنظرخواهی از دادنامه شماره ۷۲۰-۱۳۹۳/۵/۱۴ اصداری از شعبه ۲۷۳ دادگاه حقوقی (خانواده) تهران که به موجب آن تجدیدنظرخواه به پرداخت نفقه معوقه همسرش وفق نظریه کارشناس محکوم گردیده است، اعتراض وارد نیست و حکم صادره با رعایت موازین قانونی و شرعی تصدیق گردیده است. لکن از جهت اینکه زوج مدعی است وجوهی به حساب زوجه بابت نفقه واریز کرده و وکیل زوجه مدعی است بابت کرایه منزل بوده است و کرایه منزل نیز جزئی از

در واقع فقدان محدودیت‌های زمانی در قانون، پرداخت‌کنندگان را با ضرر شدیدی مواجه می‌کند و مردان در نهایت حتی پس از ازدواج‌هایی که بعضاً تنها ۱۰ روز به طول می‌انجامد، سال‌ها نفقه را پرداخت می‌کنند (آکسان، ۲۰۱۸).

برخی مخالفان اشاره دارند که قانون نفقه یک سری عوامل را باید در نظر بگیرد از جمله مدت ازدواج، تعداد ازدواج، سن و سطح تحصیلات گیرنده و وجود فرزندان حاصل از ازدواج. آن‌ها خواهان محدودیت زمانی حداکثر سه ساله برای پرداخت نفقه هستند. آن‌ها از دولت می‌خواهند که نقش فعالی در ارائه آموزش‌ها و فرصت‌های شغلی برای دریافت‌کنندگان نفقه داشته باشد. اینکه شخصی بعد از ازدواج کوتاه ولو چند ماه، می‌بایست چندین سال نفقه بپردازد که خود امری سخت و بسی ناعادلانه است. آن‌ها می‌خواهند که اگر سه سال پس از طلاق هنوز فقیر هستند، دولت وارد عمل شود و به دریافت‌کنندگان پول پرداخت کند. بدتر از آن زمانی می‌باشد که اگر مرد توانایی پرداخت نفقه نداشته باشد، می‌بایست حبس شود و این مسئله نه فقر زن را حل خواهد کرد و نه اثر مثبتی برای فرزندان خواهد داشت (آرات، ۲۰۱۶، ۱۵۰-۱۲۵). (اگر فرزند داشته باشند، بعضاً در ترکیه زنی از دوست خود حامله می‌شود بدون اینکه از ازدواج کرده باشند ولی بعد از فشارهای اجتماع و جامعه سنتی ترکیه مجبور به ازدواج می‌شوند و بعد از سه ماه از ازدواج بچه حاصل از رابطه به دنیا می‌آید و ازدواج نیز بعد از یک ماه از تولد فرزند به اتمام می‌رسد).

در مقابل برخی از حقوق دانان از این رویکردها انتقاد کردند و نفقه فقر را حق زن دانسته‌اند. آن‌ها نفقه را به عنوان یک حق اکتسابی برای زنان

نفقه محسوب است، دادگاه با اصلاح دادنامه، از جهت محاسبه مبلغ پرداخت شده توسط زوج و کسر آن از میزان محکومیت، مستنداً به مواد ۳۵۱ و ۳۵۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دادنامه معترض‌عنه با اصلاح فوق‌الذکر تأیید می‌گردد این رأی قطعی است.

۴-۵. نفقه فقر و تحدید زمانی پرداخت آن در حقوق ترکیه

بر اساس قانون مدنی ترکیه (مواد ۱۷۵-۱۷۶)، دو نوع نفقه پس از طلاق وجود دارد: نفقه فرزند و نفقه فقر. بحث کنونی در مورد «نفقه فقر» است که اگر همسر سابق به دلیل طلاق دچار فقر شود به او پرداخت می‌شود. این موضوع امری است که در حقوق ایران سابقه ندارد چراکه بعد از طلاق پرداخت نفقه در حقوق ایران اندکی عجیب به نظر می‌رسد. دریافت‌کنندگان نفقه تا زمانی که از نظر وضعیت دارایی در شرایط نامناسبی هستند مستحق دریافت نفقه هستند. اگرچه این قانون از نظر جنسیتی خنثی (بی طرف) است، اما اکثر دریافت‌کنندگان نفقه زنان هستند. در صورت فوت گیرنده یا ازدواج مجدد وی، پرداخت نفقه به طور خودکار خاتمه می‌یابد. اگر دریافت‌کننده‌ای از حالت فقر خارج شود و بدون ازدواج قانونی، با کسی زندگی کند (ازدواج سفید)، پرداخت‌ها با حکم دادگاه خاتمه می‌یابد. برای فسخ پرداخت‌ها، پرداخت‌کننده باید وجود هر یک از این شرایط را اثبات کند. اگر شرایط پرداخت‌کننده تغییر کند، او می‌تواند برای کاهش مبلغ نفقه به دادگاه شکایت کند. در عمل، نفقه زمانی محل مناقشه نمی‌شود که هر دو طرف حقوقی بالاتر از حداقل دستمزد داشته باشند و در اقتصاد رسمی، یعنی مشاغل ثبت شده در سیستم تأمین اجتماعی، شغل داشته باشند.

این است که مردان صاحبان طبیعی دارایی هستند و تصویر روشنی از شرایط اقتصادی دشواری که زنان تُرک با آن روبرو هستند به وضوح قابل مشاهده است (کوزه، ۲۰۱۹).

۶. نتیجه

همانطور که در متن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت نفقه یکی از مباحث مهمی می‌باشد که در هر دو کشور ایران و ترکیه دارای اهمیت می‌باشد. بدین سبب که اساس و بنیان خانواده به آن وابسته می‌باشد مخصوصاً اینکه هر دو جامعه به عنوان جوامع اسلامی بحث نفقه را دارای ریشه مذهبی و دینی می‌دانند ولی به هر حال آنچه که به عنوان نتیجه تحقیق می‌توان به آن اشاره کرد ماهیت نفقه در حقوق ایران و ترکیه می‌باشد که در ایران دارای ماهیت طلبکار - بدهکار بین زن و مرد و در حقوق ترکیه دارای ماهیت ذینفع - بدهکار هم بر عهده زن و هم بر عهده مرد بر اساس میزان دارایی و وضعیت مالی آنان می‌باشد. در ایران مرد به هر حال بدهکار می‌باشد و می‌بایست نفقه را به عنوان دین به زوجه بپردازد. در ترکیه به این صورت می‌باشد که چنانچه زن دارای بنیه مالی باشد در این صورت می‌تواند نفقه مرد را هم پرداخت کند یعنی بحث ذینفع و بدهکار به این صورت می‌باشد چراکه ترکیه اساس خانواده را هدف خود می‌داند و به هر طریقی می‌خواهد بنیان خانواده حفظ شود. در صورتی که زن نیاز به نفقه داشته باشد، این نیاز از سوی مرد در ترکیه الزام است حتی اگر طلاق گرفته شود، ممکن است مرد چندین سال ملزم شود نفقه همسر سابق خود را بپردازد و این چالش بزرگی برای ترکیه محسوب می‌شود چراکه بعد از قطع ارتباط حقوقی بین زن و مرد چگونه می‌توان همانند دوران زناشویی حق نفقه را به زن پرداخت

تعریف کردند که نمی‌توان آن را پس گرفت و استدلال کردند که قوانین موجود باید دست نخورده باقی بماند لذا قربانی واقعی کیست؟

برای تعریف قربانی واقعی، قانون فعلی نفقه را باید ملاک قرار داد. مردان معلول با درآمد کم، یکی از قربانیان هستند. در صورت ناتوانی از پرداخت نفقه، این اشخاص به زندان می‌روند و بعد از آزاد شدن علاوه بر اینکه دین نفقه چندماهه بر گردنشان می‌باشد، علاوه بر آن می‌بایست دنبال کار گشته و نفقه همسر سابق خود را پرداخت نمایند (آکسان، ۲۰۱۸). از سوی دیگر زنان نیز بی سرپناه می‌مانند و نداشتن درآمد کافی و دستمزدهای پایین به زنان در مجامع کاری ترکیه، دیگر قربانی این مسئله هستند (ایشیک، ۲۰۱۹). در این شرایط است که تنها درصد کمی از زنان شاغل هستند، تغییر رژیم نفقه برای زنان مضر است. با دسترسی محدود به نفقه، زنان جرأت یا احساس امنیت مالی برای ترک ازدواجی که از آن رنج می‌برند را نخواهند داشت. آن‌ها استدلال می‌کنند که در مقایسه با مردان، بیشتر زنان هستند که شغل خود را برای ازدواج، مراقبت از کودکان و مراقبت از سالمندان ترک می‌کنند (دمیرباش، ۲۰۱۷).

بر اساس داده‌های موسسه آمار ترکیه (TurkStat) در سال ۲۰۱۶، برخی زنان را نمی‌توان بخشی از نیروی کار در نظر گرفت و به وضوح استقلال اقتصادی ندارند. این امر نشان می‌دهد که اکثریت زنان به عنوان مادر و همسر نیروی کار خود را به صورت رایگان در خانه ارائه می‌دهند. تا سال ۲۰۰۲ زنان فقط با اجازه مردان می‌توانستند به کار مشغول شوند و هر درآمدی که زنان به دست می‌آوردند اغلب توسط مردان گرفته می‌شد حتی امروزه دیدگاه اجتماعی سنتی

زندگی با مرد، حقوق خود را دریافت کند لذا به نظر می‌رسد این مسئله با قانون حل نمی‌شود و باید قانونگذار دست قاضی را در تعیین این مسائل و با در نظر داشتن اوضاع و احوال قضیه اقدام به تصمیم درست کند تا هم مرد بتواند از عهده پرداخت‌ها بریاید و هم زن به حق و حقوق خود برسد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مشترک در تهیه این پژوهش شرکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- اسدی، لیلا سادات؛ شکری، فریده، آیین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۹۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، چاپ شصت و سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۱.
- گرجی، ابوالقاسم و همکاران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰.

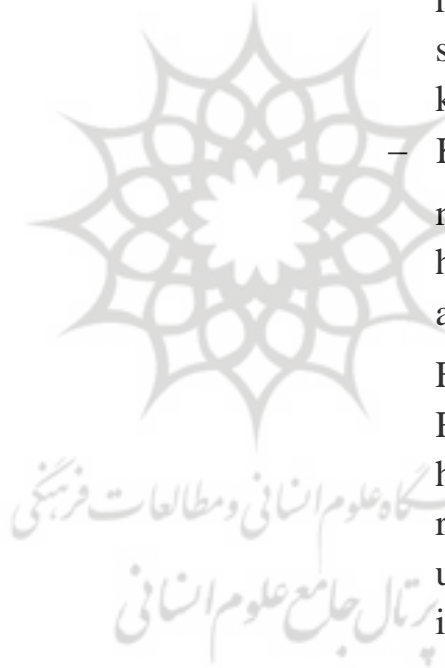
کرد، خود جای سؤال است. اینکه نفقه به خاطر علقه زوجیت به وجود می‌آید هیچ شکی نیست ولی بعد از گسستن این علقه می‌توان مبلغی را با توجه به وضعیت مرد برای پرداخت به زن تعیین کرد ولی اینکه مرد ملزم باشد چندین سال نفقه همسر سابق خود را بپردازد، امری است که در ترکیه سبب جنایات بسیاری شده است. در ایران نیز بحث نفقه عملاً بین خانواده‌ها فقط در چارچوب مسکن، خوراک و پوشاک مطرح می‌باشد و بسیار به ندرت مرد ملزم می‌شود مبلغ مشخصی را هر ماه به عنوان نفقه به زن بپردازد ولی در ایران باید توجه داشت که زن به هر میزان که از نظر دارایی وضعیت مطلوبی داشته باشد، مرد وظیفه‌ای برای پرداخت نفقه به زن دارد و این بر خلاف اساس و بنیان و کیان خانواده مشترک می‌باشد. از سوی دیگر در ترکیه، در بحث نفقه از ازدواج قبلی حبس وجود ندارد ولی در ایران در دوران زناشویی حتی شوهر از دادن نفقه استنکاف ورزد در این صورت حبس پیش بینی شده است و این موضوع بیشتر از آنکه بنیان خانواده را مستحکم سازد، منجر به فروپاشی آن می‌شود. در ترکیه بعد از طلاق اگر نفقه فقر به زن پرداخت نشود، ممکن است حبس صورت گیرد. در ایران باید توجه داشت که می‌بایست بین عدم توانایی پرداخت نفقه و استنکاف از نفقه تفاوت قائل شد و اینکه طبق قانون مدنی، زن حق دارد به جهت عدم تأمین نفقه خود درخواست طلاق دهد که این موضوع می‌تواند بنیان خانواده را فروپاشد. اگر به سبب عدم توانایی مالی مرد برای پرداخت نفقه زن بخواهد طلاق بگیرد، در این صورت مهریه نیز مطرح می‌شود و عملاً این موضوع اجحاف در حق مرد خواهد بود و از سوی دیگر نیز به هر حال زن باید به سبب چندین سال

منابع لاتین

- Akıntürk, Turgut, Aile Hukuku, 16. Baskı, İstanbul, Beta Yayınevi, 2010.
- Aksan, S, « Süreli evlilik süresiz nafaka [Limited marriage unlimited alimony]», YeniŞafak. Retrieved from <https://www.yenisafak.com/gun-dem/sureli-evlilik-suresiz-nafaka-3400421>, 2018.
- Arat, Y, « Islamist women and feminist concerns in contemporary Turkey», Borders dergisi, hayır.3, 2016.
- Bulut, Harun, Aile Hukukunda Velayet (Çocukla Kişisel İlişki Kurulması) ve Nafaka Davaları, Baskı, İstanbul, Beta Yayınevi, 2007.
- Demirbaş, F, « Türkiye'nin işgücü performansı [Turkey's workforce performance]», Retrieved from <https://www.dogrulukpayi.com/bulten/turkiye-nin-istgucu-performansi>, 2017.
- Gedikli, Halük, Boşanma ve Ayrılık Davalarında Alınacak Geçici Önlemler ve Tedbir Nafakası, Yüksek Lisans Tezi Dr Modares'in rehberliğinde, محمدی، امید، نفقه در نظام کنونی ایران با تکیه بر تحولات مقررات جدید، چاپ سوم، تهران، انتشارات اندیشه سبز نوین، ۱۳۹۸.
- میرزایی، زهرا و وثوقی کردکندی، بهرام، بررسی تطبیقی نفقه زوجه در حقوق ایران و ترکیه، اولین کنفرانس حقوق و امور قضایی، تهران، ۱۳۹۴.
- عربی
- انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقیهه المسیره، جلد پنجم، چاپ اول، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵.
- البهوتی، منصور بن یونس بن ادريس، شرح منتهی الارادات، جلد سوم، الطبعه الاولى، مکه، المكتبه الفيصلیه، ۲۰۰۰.
- الخرشى المالکی، محمد بن عبد الله بن علی، حاشیة الخرسى (علی مختصر سیدی خلیل)، جلد پنجم، الطبعه الثالث، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۷.
- عابدين الدمشقی الحنفی، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز، حاشیة رد المحتار علی الدر المختار، جلد سوم، الطبعه الثاني، بیروت، الناشر دار الفكر، ۱۴۱۲.
- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی و یکم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲.

İstanbul, Üniversitesi Sosyal Bilimler Marmara,2006.

- GÜNAY, Hacı Mehmet, “Nüşûz”(Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi), 13. Baskı,İstanbul, TDV Yayınları,2007.
- Işık, İ,« Süreli nafaka Sonuçlarına katlanırsınız (Limited alimony You will bear its consequences)», Retrieved from <https://www.gazete.duvar.com.tr/kadin/2019/06/07/surelinafaka-sonuclarina-katlanirsiniz>,2019.
- Köse, H,« Yoksulluk nafakasında direnilmeli! (We have to resist on poverty alimony!)», Interview with Feride Acar Cumhuriyet- Retrieved from http://www.cumhuriyet.com.tr/haber/yasam/1476892/Yoksulluk_nafakasinda_direnilmeli.html,2019.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی